



روایتی جدید از کتابخوانی رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب همواره به یکی از مشوقان به امر کتابخوانی بوده‌اند. جدیدترین روایتی که از مهارت ایشان در کتابخوانی منتشر شده، یادداشتی است از یکی از اساتید دانشگاه درباره دیداری که با معظم‌له در روزهای اخیر داشته‌است. به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا، رهبر انقلاب که درباره ارزش مطالعه فرموده‌اند: باید خرید کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود. مردم باید بیش از خریدن بعضی از وسایل تزئیناتی و تملاتی… به کتاب اهمیت بدهند؛ کتاب را مثل نان و خوراکی و وسایل معیشتی لازم نگذشته و بعد که تأمین شد، به زواید بپردازند. موسی نجفی، عضو سابق هیئت علمی گروه آموزشی علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مدیر گروه اندیشه سیاسی دانشکده الهیات و فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، در یادداشتی کوتاه به دیدار اخیر جمعی از اساتید و پژوهشگران با رهبر معظم انقلاب اشاره کرده و می‌نویسد: «روز یک‌شنبه ۲۴ دی توفیق شد تا به اتفاق یکی از دوستان خوبم، خدمت آقای عزیزمان رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی رسیدیم و دقیقاً بی‌ی دغدغه و در فضایی صمیمی و آرام با ایشان سخن گفتیم…»

غفلت از اهمیت تأثیر گذاری کامیک استریپ



■ **معصومه طاهری**

به خوبی می‌دانیم که پایه و اساس صنعت مهم انیمیشن، کامیک استریپ یا همان داستان مصور است؛ یعنی مجموعه‌ای از نقاشی‌های ممتد و دنباله‌داری که ماجرای آن در قالب تصویر روایت می‌کنند. این هنر به دلیل جذابیت و مهم‌تر از همه تأثیرگذاری تصویری که دارد بسیار مورد توجه‌است، به طوری که امروز بیشتر فیلم‌های معروف دنباله‌مثل «مرد عنکبوتی»، «جنگ ستاره‌ها»، «ماجراهای هری پاتر» و… در فضای خلاقانه و زیبای کامیک استریپ خلق شدند تا در ذهن مخاطبان ماندگاری بیشتری داشته باشند و البته با استقبال خوبی هم از سوی علاقه‌مندان در سنین مختلف مواجه شده‌اند. اساساً کامیک‌ها در همان ابتدای دوران حیات وجودی خود به مقاصد اجتماعی یا سیاسی می‌پرداختند و مسائل مختلف را در قالب طرز مطرح می‌کردند. از ارزش‌های محافظه‌کارانه کامیک آبیِ آزادی‌خواهان کامیک دونزبری، کامیک استریپ پوگو با استفاده از شخصیت‌های حیوانی، خشونت را به تصویر کشید و بسیاری از سیاستمداران دوران او را با حیواناتی مشابه چهره‌شان نسبت داد. والت کلی تصویر گر کامیک پوگو، جوزف مک‌کارتی را در دهه ۵۰ به شکل گربه‌ای وحشی کشید، گربه‌ای به نام جی. ملارکی وو.

بااین وجود در کشور ما این هنر هنوز مغفول مانده و در کنار سایر حوزه‌های هنری نتوانسته‌ایم از آن بهره کافی ببریم حتی برخی با نگاه تنگ‌نظرانه آن را محصول غربی می‌دانند و کمتر اقبالی بدان دارند. البته ناگفته نماند مجموعه کمیک استریپ «من گوساله‌ام» اثر خلاقانه و نقادانه‌ای است که توسط «مزره گهمر حسین پور» یکی از مشهورترین کاریکاتورستریپ‌ها و انیماتورهای ایرانی تهیه شده و استقبال خوبی هم از آن شده است با مجلات چاپچراغ و مشهوری چون هم به کامیک استریپ ورود دارند ولی مطمئناً با چنین حرکت‌های اندک و انگشت‌شمار نمی‌توان گویی سبقت را در فضای این صنعت هنری ربود و جای کار زیادی وجود دارد که می‌توان از ظرفیت بالای آن استفاده کرد. زمانی حجت‌الاسلام زائری سردبیر مجله خیمه، مجله کامیک‌استریپی منتشر کرد که دوام نداشت و نیمه‌کاره ماند. این درحالی است که می‌توان با کمک کامیک استریپ موضوعات مختلفی را به زیبایی به نقد و چالش کشید یا آموزش داد. ما هنرندان انیماتور خوبی داریم که می‌توانند موضوعات مختلف را در قالب کامیک استریپ ارائه دهند.

فرهنگ‌روز

سرویس فرهنگی ۸۸۴۸۴۶۴

نگاهی به جدیدترین پروژه تبلیغاتی رامبد جوان

نوسلبریتی‌هایی با محتوای هیچ!



■ **محمدامین نوروزی**

رامبد جوان در تازه‌ترین پروژه تجاری‌اش منتشر شده، بر مطالعه دقیق رهبر معظم انقلاب تأکید کرده و ادامه می‌دهد: «از نکات جالب این جلسه به‌روز بودن ایشان در زمینه فرهنگ و مطالعه کتاب است؛ در این مورد البته این بار نیز مثل دفعه قبل، جلوی ایشان کم آوردم! چراکه ایشان کتابی را مطالعه کرده بودند که راجع به سقوط امپراتوری عثمانی بود و سؤال کردند شما کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» را خوانده‌اید؟ جواب ما منفی بود! چون

از چاپ کتاب زمان اندکی نگذشته و به اصطلاح تازه از تور در آمده. در مورد کتاب کمی صحبت نمودند.» کتاب صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد نوشته دیوید فرامکین، انتشارات ماهی، زمان انتشار پاییز ۱۳۹۶). وی می‌نویسد: «خدرا را شکر که رهبری داریم که زودتر از همه در جریان نوسانات و کوران کتاب و نشر و فکر قرار دارند. این نکته را هم بگویم من از تأکید ایشان بر خواندن کتاب اخیر (یعنی صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد) حدس قریب به یقین زدم که بینش سیاسی ایشان باید تا حدود زیادی متأثر از مطالعه زیاد و باطبع بصیرت تاریخی‌شان باشد…»

■ **محمدامین نوروزی**
رامبد جوان در تازه‌ترین پروژه تجاری‌اش منتشر شده، بر مطالعه دقیق رهبر معظم انقلاب تأکید کرده و ادامه می‌دهد: «از نکات جالب این جلسه به‌روز بودن ایشان در زمینه فرهنگ و مطالعه کتاب است؛ در این مورد البته این بار نیز مثل دفعه قبل، جلوی ایشان کم آوردم! چراکه ایشان کتابی را مطالعه کرده بودند که راجع به سقوط امپراتوری عثمانی بود و سؤال کردند شما کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» را خوانده‌اید؟ جواب ما منفی بود! چون از چاپ کتاب زمان اندکی نگذشته و به اصطلاح تازه از تور در آمده. در مورد کتاب کمی صحبت نمودند.» کتاب صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد نوشته دیوید فرامکین، انتشارات ماهی، زمان انتشار پاییز ۱۳۹۶). وی می‌نویسد: «خدرا را شکر که رهبری داریم که زودتر از همه در جریان نوسانات و کوران کتاب و نشر و فکر قرار دارند. این نکته را هم بگویم من از تأکید ایشان بر خواندن کتاب اخیر (یعنی صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد) حدس قریب به یقین زدم که بینش سیاسی ایشان باید تا حدود زیادی متأثر از مطالعه زیاد و باطبع بصیرت تاریخی‌شان باشد…»

تاریخی‌شان باشد…»

است، افرادی سرشناس در اجتماع، که توانسته‌اند مخاطبان زیادی را جذب کنند. اینفلوئنسرها ممکن است در جامعه شخصیتی محبوب، مانند ورزشکاران یا بازیگران باشند.

■ **ویژگی اینفلوئنسرها**

اینفلوئنسرها همگن است دارای پنج ویژگی زیر باشند:
درگیر انجمن‌ها، جنبش‌های سیاسی، مؤسسات خیریه و… هستند. دارای شبکه‌های بزرگ اجتماعی هستند، به دنبال دیگران هستند و به آنها اعتماد دارند، دارای منافع متعدد و گوناگون هستند. با افزایش چشمگیر استفاده از تلفن‌های همراه هوشمند، افراد زیادی هستند که در شبکه‌های اجتماعی عضو شده و در آن فعالیت می‌کنند. در ایران، دو شبکه اجتماعی اینستاگرام (م‌افزار) اشتراک گذاری تصویر) و پیام‌سان تلگرام،

می‌شود که تمرکز آن به جای بازار هدف بر روی افسرد تأثیرگذار قرار گرفته‌است. اینفلوئنسر مارکتینگ به دنبال اشخاص تأثیرگذار و سپس خریداران بالقوه تأثیر گرفته از آنها می‌پردازد و بازاریابی را در جهت فعالیت‌های این افراد هدایت می‌کند.

■ **تلنت‌شوهای شبکه‌های ماهواره‌ای**
حال این سؤال پیش می‌آید که آیا این پروژه می‌خواهد به سلبریتی‌هایی که بدون هیچ پیش‌زمینه آکادمیک و محتوایی در فضای مجازی معروف شده‌اند رسمیت ببخشد یا مدل تلنت شوهای شبکه‌های ماهواره‌ای را در ایران از بستر شبکه‌های اینترنتی دنبال کند؟

حضور رامبد جوان در این پروژه که برنام‌ه موفق خندوانه را در سالیان گذشته از شبکه نسیم روی آنتن برده است قدرتمی‌تواند به معروف کردن این نوسلبریتی‌ها منجر شود؟!

آیا فعالیت‌های #تگ_استار به تأمین محتوای سازمان صدا و سیما که به تازگی به خواننده‌ها و استندآپ کمدین‌های نوظهور که از بستر فضای مجازی رشد کرده‌اند، تأثیر خواهد گذاشت؟!
آیا این افراد باارسمی‌تر کردن فعالیت‌هایشان به دنبال معرفی خود در بستر رسمی و حقوقی، ذیل یک برند و به عنوان الگو برای نسل جوان همه‌گفتادی و نوجوان دهمه هشتادی هستند؟!

در پایشان اینم نکته حائز اهمیت است که بستر فضای مجازی این روزها محل بحث کارشناسان است و متأسفانه هیچ نظارت محتوایی بر این فضا صورت نمی‌گیرد. با ادامه روند فعالیت‌های این مدل مارکتینگ‌ها نظیر #تگ_استار با حضور چهره‌های مجازی، لزوم حضور شورای عالی فضای مجازی در این سری موضوعات و همچنین نظارت بر این محتوای تولیدی از طرف دستگاه‌های مربوطه پیشنهاد می‌شود.



افرادی صرفاً زندگی خود را با

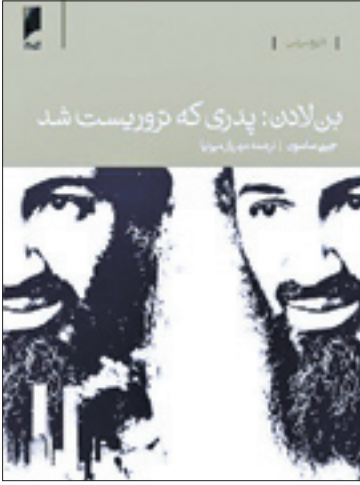
رنگ و لعاب به اصطلاح امروزی لاکچری در اینستاگرام به اشتراک می‌گذارند و در آمدی از این تبلیغات به دست می‌آورند. به این افراد اینفلوئنسر می‌گویند که در فضای مارکتینگ و سبک زندگی فعالیت می‌کنند

مجبور به استعفا از پست خود به عنوان رئیس رسانه خبری برایتبارت شد. این کتاب به سرعت در صدر تمام‌لیست‌های پر فروش‌ها قرار گرفت و در بسیاری از شهرهای بزرگ در همان روز اول انتشار تمام نسخه‌های آن فروش رفت. در حال حاضر هیچ استودیویی متصل به پروژه ساخت سریال تلویزیونی «آتش و خشم» نیست. وولف تهیه‌کننده اجرایی سریال خواهد بود و مایکل کجسون که از مدیران اجرایی سابق شبکه بی‌بی‌سی است، تهیه‌کننده اصلی آن است.

از همین حالا چند پروژه مرتبط با ترامپ و ریاست‌جمهوری‌اش به عرصه تلویزیون راه پیدا کرده‌اند. شبکه کمدی سنترال در حال حاضر سریال کمدی «شو پرزیدنت» با نقش‌آفرینی آنتونی آتامانوویک در نقش ترامپ را روی آنتن می‌برد و شبکه شو‌تایم هم مشغول ساخت سریال انیمیشن «نیک‌جمهور کار تونی ما» است که استیون کولبر، مجری معروف برنامه‌های آخر شب، مسئولیت تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارد.

نگاهی به تازه‌ترین رخدادهای حوزه کتاب

گفت و گویی درباره «بازاریابی فیلم» و انتشار کتابی از بن لادن



بود، در حالی که سعید از پشت سرش می‌آمد و ۱۸ سال داشت. عمر که چندین سال از آنچه به واقع روی زمین از سر گذرانده بود بزرگ‌تر می‌نمود، به‌زودی ۱۶ سالش می‌شد. عثمان که قد کوه‌همین‌طور داشت دراز می‌شد، ۱۴ ساله بود. از قرار عثمان بسری می‌بود که قد و قامت بلندبالای پدرش را می‌گرفت. محمد شیرین و ساکت ۱۲ سالش بود، خیلی تلاش می‌کرد با برادران بزرگ‌ترش برابر باشد.

ساعات زیادی را با بچه‌های کوچک‌ترم می‌گذراندم، برای اینکه عمدتاً در محل سکونت خودمان منزلی جدا بودیم. فاطمه دختری ۱۰ ساله و جدی‌خلقی که سایه به سایه‌اش ۱۷ ساله بود. لادن که هنوز از سوی اسامه بگر خوانده می‌شد، کوچک‌ترین پسرم بود، نوپای پرچنب و جوش ۳ ساله. دخترانم عاشق برادر کوچکشان بودند و خیلی کیف می‌کردند مادر کوچولوی او شوند، همان‌طور که خیلی از دختر کوچولوها خواهر و برادران نوپای‌شان را نازنازی می‌کنند. من و دخترانم موفق شده

کتاب پر فروشی که داستان داخل کاخ سفید پر هوج و مرج رئیس‌جمهور امریکا را تعریف می‌کند، قرار است به جمیع دیگر پروژه‌های تلویزیونی درباره دونالد ترامپ پیوندد. به گزارش کامیک به نقل از رابرتی، کتاب «آتش و خشم: داخل کاخ سفید ترامپ» نوشته مایکل وولف قرار است تبدیل به یک سریال تلویزیونی شود. کمپانی اندور کانتنت حقوق رسمی فیلم و تلویزیون این کتاب را خریداری کرده که داستان درونی نخستین

سال ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را تعریف می‌کند. این کتاب، ترامپ را به عنوان آدمی که برای سنگینی مقماش آمادگی ندارد به نمایش می‌گذارد و می‌گوید او نمی‌تواند توجهش را روی جزئیات سیاست‌ها متمرکز کند. در این کتاب همچنین نقل‌قول‌هایی از استیون بنون استراتژیست ارشد سابق کاخ سفید آورده می‌شود که ملاقات بین دونالد ترامپ جنونیور و یک وکیل روس را «خیانت‌بار» می‌خواند. به خاطر همین صحبت‌ها بنون،

■ **فرزین ماندگار**

با نگاهی به رخدادهای حوزه کتاب و کتابخوانی و در تازه‌ترین اتفاقات این عرصه، یکی به انتشار کتاب «بن لادن: پدری که تروریست شد» برمی‌خوریم و مورد دیگری که کمتر از انیمیشن هزینه می‌برد درباره یک کتاب» پیرامون کتاب «بازاریابی فیلم» اختصاصی دارد که در بنیاد سینمایی فارابی بر گزار می‌شود. انتشارات دنیای اقتصاد، کتاب «بن لادن: پدری که تروریست شد» را به قلم جین ساسون و ترجمه مریز میرنیا روانه بازار نشر کرده است. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، زندگی خصوصی اسامه بن لادن پرده برداشت. تا به امروز دارند، مجلات خانواده اسامه بن لادن با هیچ نویسنده و ژورنالیستی همدستی و مساعدت نکرده‌اند. جین ساسون نویسنده باپینش و دسترسی بی‌سابقه‌ای به لطف و یاری زن و فرزند بن لادن، ما را به درون دنیای نهان و ناگفته‌های اسامه بن لادن می‌برد. خانواده بن لادن، در این کتاب حکایتی فوق‌العاده از مردی را روایت می‌کنند و ظرف نفرت و نینازی بسیاری است، منتها مادر و فرزند عشق بسیاری نثارش می‌کنند، همرا با جزئیاتی صاف و ساده، بگر، شگفت و چپ‌ساخت خوب‌انگیز، از سر و همسری، از مهربانی و خانواده، از ایمان و اعتقاد، از وفا و صفا، از یاس و حرمان، از وجد و سرور، از عزت و قهرمانی، از خفت و خوری، از شکست و پیروزی، از حیات و دوران مردی که به عنوان شوهر و پدر می‌شناسند.

بن لادن در این کتاب، آن مرد خشن و بی‌رحمی نیست که فرمان انفجار و عملیات انتحاری می‌دهد. بلکه پدری است که ابتدا مردم، شوهر و پدر است و به طریقی که حتی نزدیکانش در بست نمی‌دانند چه بوده‌است، به تروریست هولناک تبدیل می‌شود. اما این تروریست هولناک، تا آخر برای خانواده‌اش همچنان اسامه می‌ماند.

در بخشی از کتاب آمده است: «حین زندگی در کوه شوهرم بن لادن)، پسرهای بزرگ‌ترم را می‌دیدم که بزرگ و بالغ می‌شوند. عبدالرحمن مردی ۱۹ ساله

پایانی موفق

و آغازی نگران‌کننده درباره ۲ جشنواره فجر!

■ **حسن روانشید***

فیلم سینمایی چهارراه استانبول که رؤیایی است خزن‌انگیز پیرامون حادثه ناگوار ساختمان پلاسکو، که این روزها داغ از دست رفتگان آن را زنده می‌کند، می‌رود تا از برگزیدگان به دست آوردن جام بلورین جشنواره سینمایی فجر باشد. نتیجه یک نظرخواهی رسانه‌ای رادیو ایران نشان می‌دهد سینمای کشور بیش از همه نیاز به فیلم‌های تخصصی دارد و از سوی دیگر اظهار نظر‌ها حاکی از احتیاج مبرم هنر هفتم به فیلم‌ها هرچه بیشتر از روایت فصح است و سینمای سیاسی نیز مخاطبان خود را از ضای می‌کند و نظرات متفاوتی هم خواهان زائر ترسناک بر روی پرده‌ها هستند. گروهی هم به ژانر اکشن تمایل دارند که جایگاه متقاضیان و علاقه‌مندان به نصیحت، عبرت آموزی و انزجار از دناخت، خیانت و جفاهای غرب به این ملت مظلوم مغفول واقع‌شده است. اما فیلم‌های تاریخی نیز طرفداران خاص خود را دارد. معدودی نیز متمایل به فیلم‌های کمدی و طنز هستند که نوع بی‌پیرای غیرغربی آن نیازهای عاطفه جامعه را تا حدودی تأمین می‌کند. هیچ‌یک از این آمارهای مستند که خواسته به حق سینما‌روهای کشور است مورد توجه دست‌اندر کاران هنر هفتم واقع نمی‌شود که این گروه معدود و سردمدار حرفه سینما همچنان را خود را می‌مندوند که به گیشه‌های شلوغ و پرزادحام ختم شود!

شورای نمایش که پس از کمیسیون و سیستم‌های دولتی عهده‌دار جشنواره است همچون دفاتر ثبت اسناد بی‌خاصیت به نظر می‌رسد زیرا اعضای آن سینماداران و کمپین‌هایش هستند که بسیاری از فیلم‌ها با نظر این گروه قربانی می‌شوند در حالی که فیلمی تازه از راه رسیده که به‌نوعی قفل به یکی از اعضای شورای نمایش دارد در اکران پیک نوروزی ۹۷ به نمایش درمی‌آید حال آنکه ۱۷ فیلم ماه‌هاست در انتظار سالن برای نمایش باقی مانده‌اند!

مافیای اکران سالیان دراز است و پیچیدگی این ماجرا افزوده و شورای صنفی نمایش نیز قادر نیست نقشی در این میان داشته باشد! مسئولان این شورا کسانی هستند که منافع شخصی خود را بر همه چیز اولی‌تر می‌بینند!

این نظر یکی از اعضای شورای عالی سینماست که در اولین پیشواز جشنواره سینمایی فجر در عصر جمعه ۲۹ دی از رادیو ایران ابراز می‌دارد! او معتقد است مافیای فیلم حتی پلیت‌های فروش نرفته یک فیلم تحمیلی را از گیشه خریداری می‌کنند تا امتیاز فیلم بالا برود! تهیه‌کننده‌ای که سینمادار و بخش پیش‌فهم هست حق حضور در شورای صنفی سینما را ندارد و این درست نقض قانون است.

اعضای مافیایی که با هم شراکت دارند و منافع یکدیگر را در شورا حفظ می‌کنند فیلم‌سوزی را رواج داده‌اند در حالی که فیلم‌های متعلق به آنها ۱۰۰ سینمای کشور نمایش داده می‌شود. این صنعت تنها ۳۰ دفتر پخش دارد که چهار دفتر اختصار پخش عمده فیلم‌ها را اعضای این شورا در اختیار دارند و ۲۶ دفتر دیگر حاکم‌الرایی یک فیلم را توزیع می‌کنند!

سینمای ایران با حضور این مافیا در بدنه خود در حال اضمحلال است و تهیه‌کنندگان بدون پشتوانه مالی هر کدام اسیر بدهی‌های کلان هستند. وقتی یک فیلم از وزارت ارشاد پروانه می‌گیرد حوزه هنری یا شهرداری تهران اجازه ندارد مجوز نمایش آن را در سینماهای خود صادر کنند. خلأ قانونی و نفوذ مافیا در ارگان‌ها قانون را به نفع خود تغییر می‌دهد زیرا قدرت و توانایی متعلق به آنهاست و رابطه‌های جاب ضابطه‌ها را اشغال می‌کنند؛ در حال حاضر تنها چهار شرکت متعلق به اعضای شورای نمایش همه سینماها را در انحصار دارند.

همان‌گونه که فیلم کبریت سوخته توسط همین شورا آتش گرفت و خاکستر شد و آیینه بغل نعل سرنوشتی بهتر از آن ندانست! نان قرض دادن سینماهای دولتی و خصولتی به مافیای شورای نمایش موجب می‌شود تا تهیه‌کنندگان مستقل نتوانند در این دامنه عرض‌اندام کنند. مردم باید بدانند که چگونه بعضی از فیلم‌های کم‌رزش، ماه‌ها روی پرده می‌مانند اما فیلم‌های ارزشی در حالی که با استقبال عموم رویه‌روست هفت هفته بیشتر نمایش داده نمی‌شوند؟!

جشنواره موسیقی فجر تمام‌شده که البته ترازوی آن در کفه ارزش‌ها کمی سنگین‌تر از سال‌های قبل بود با این نواقص که دو کنسروانورا از ایتالیا در یک سناسن و در دو سالن روی استیج رفتند که علاقه‌مندان را در انتخاب دودل کرد و ارکستر مجلسی کشور نیز در آخرین لحظات به دلایل نامعلوم انصراف داد.

درس‌آموزی از این جشنواره برای مدیران ارکسترهای کشور همین بس که سرپرست گروه موسیقی اعزامی از فرانسه حاضر نشد بدون کسب مجوز از شرکت اسپانسر خود در پارسی با خیرگزاری رسانه ملی ایران مصاحبه کند که نشان می‌دهد چگونه در همه مراحل حرفه‌ای عمل می‌کنند اما اجزای این جشنواره حکایت می‌کند که استاد محمدرضا نوربخش همچنان بهترین گزینه برای ریاست آن است که در آن واحد علاوه بر تأمین نظر شیفگان و علاقه‌مندان و اصحاب هنر توانست رضایت اصحاب رسانه را نیز به نحو مطلوب به دست آورد اما نگرانی بین این دو جشنواره هنری فجر یعنی موسیقی با سینما با وجود مافیای تولید و نمایش فیلم همچنان باقی است.

✽ **روزنامه‌نگار پیشکسوت**